

نمرد آن که ماند پس از وی به جای پل و برکه و خوان و مهمانسرای*

«سعدی»

نیکوکاری و دهشمندی، سفارش همهٔ دین‌ها و آیین‌ها از آغاز تاکنون بوده است. چه ادیان باستانی ایران و چه دین اسلام. از این رو است که بنابراین شیوهٔ پسندیده، در جای جای این سرزمین اهورایی، بناهای خیر و عام‌المنفعه ساخته می‌شده است. هنوز ده‌ها بنای بر ساختهٔ زردشتیان در گوشه و کنار ایران دیده می‌شود. یکی از برجسته‌ترین کارهای نیک، ساخت و راه‌اندازی بناهای آبی مانند: پاکنه، یخدان، یخچال، چشمه، جوی، نهر، سنگاب، کاریز، آب انبار، چاه، برکه، سقاخانه و پایاب است.

این بناها به وسیلهٔ پادشاهان، فرمانروایان، و یا دولت‌مندان به انگیزهٔ خوشنودی یزدان، اهورمزدا و یا روان‌آمرزی نیاکان، درگذشتگان و بستگان ساخته می‌شد و کماکان این اندیشهٔ نیک در طول تاریخ پا بر جا بود.

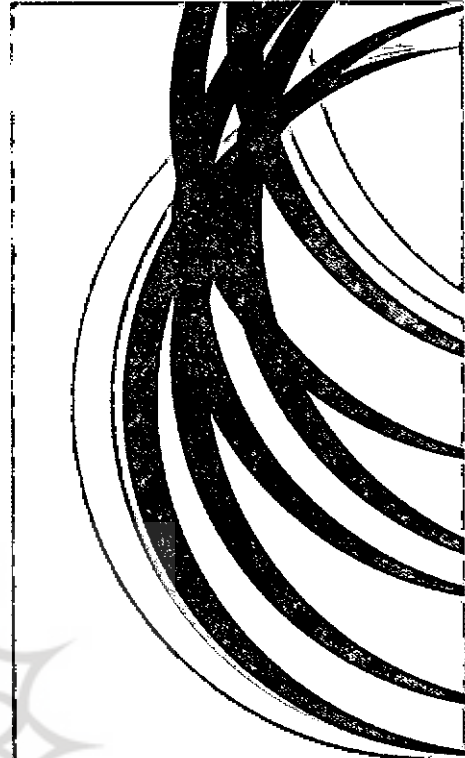
با این تفاوت که تنها نام و عنوان فرق داشت، وگرنه نگرش اندیشه و نیت خیر همان بود که بود. خوشنودی آفریده، مایهٔ خرسندی آفریدگار یکتابخش و هستی‌بخش خواهد بود:

خدا را بر آن بنده بخشایش است
که خلق از وجودش در آسایش است

«سعدی»

خواهی که خدای بر تو بخشد
با خلق خدای کن نکویی

و آدمی هم که همواره در پی نیک‌روزی و بهروزی بود، بهترین



بررسی وقف ونیکوکاری در آب انبارهای ایران (بویره یزد)

حسین مسرت



کار را خوشنودی خداوند در نظر می‌گرفت تا بدین وسیله، مایه رستگاری و ورود به بهشت جاودان را بر خود هموار کند. از این رو بنا بر سفارش پیران قوم که یا آب انبار بسازید یا مسجد که بیش تر از آن استفاده می‌کنند و خدا بیامرزی می‌دهند، بدین کار نیک دست می‌بازیدند.

در خیر کوش زان که بر اوراق روزگار

باقی به ذکر خیر بود نام آدمی

(مستوفی ۳: ۱۶۰)

اما ساخت نخستین آب انبار بنا بر روایت «صالح علی بن داود استرآبادی» در کتاب انساب النواصب چنین است:

«بعد از واقعه کربلا، به نظر یزید پلید رسید که به عنوان کفاره قتل امام حسین (ع) برکه و آب انباری بسازد تا مردم از آن آب بیاشامند و همین سبب تخفیف در عذاب او شود و شفاعت رسول خدا (ص) نصیبش گردد.

چون آن برکه ساخته شد و آن را بر از آب نمودند، ابتدا فرشته‌ای آمد و از آن حوض، آب نوشید و به گونه‌ای یزید را لعنت کرد که تمام اهل شام و خود یزید آن ندای غیبی راشنیدند.

و پس از آن، هر کس که آب می‌نوشید، بر یزید لعنت می‌فرستاد و حتی خود او نیز هر زمان آب می‌آشامید، بر خود لعنت می‌کرد. و از همین جهت است که هر کس آب می‌آشامد، بر یزید لعنت می‌کند.

آب، بی چاشنی لعن یزید

بر گلوی کسی، گوارا نیست

(قمی، فواید: ۳۰۰)

بازتاب رخداد جانسوز عاشورا و تشنه لب ماندن امام حسین (ع) و یاران او، تجلی آن در روزهای محرم هر سال بدین شکل است که افرادی در پوشش سقاییان، وظیفه آب‌رسانی به سوگواران را بر عهده داشته و هیئت‌ها و دسته‌های سینه‌زنی و زنجیرزنی، آب می‌رسانند و جملگی بر یزید لعنت می‌فرستند.

«آبی بنوش و لعنت حق بر یزید کن»، (افشار ۱: ۲۲۲)

دیگر بانیان آب انبار، هر کدام به طمع خلاصی از گرمای روز محشر و رسیدن به زلال آب کوثر و شفاعت امامان پاک‌نهاد و خوشنودی خداوند به ساخت آب انبار دست زده‌اند، چنان که در کتیبه کهن ترین آب انبار یزد آمده است:

غرض نقشی است کز ما بازماند که هستی را نمی‌بینم بقایی

مگر صاحب‌دلی روزی به رحمت کند در حال مسکینان دعایی

(افشار ۲: ۶۵۴)

و اتفاقاً ماده تاریخ این بناء یعنی آب انبار جنک^۱ «زالال خیر» است. (افشار، همان جا) سازنده و واقف آب انبار باغ گندم، روزی آب کوثر را خواسته است:

به نذر امام رضا این بنا کرد
دلیل چو خضر از تو تاریخ پرسد
که یابد خلاصی ز گرمای محشر
بگو روزی او بود آب کوثر

(افشار ۲: ۶۴۹)

بانی آب انبار ابوالمعالی بنابر وصیت خواجه محمدعلی، در زمانی که «عازم سفر آخرت بود، مبلغی به جهت فقرا و مساکین و صرف اخراجات پل و رباط و برکه» در اختیار فرزندش نهاد و او این انبار را به یادساقی کوثر، ساخته است:

موفق شد ملک قاسم بنا کرد
خوشا حال آن کسی را در جهان از کار آن فرزند
که خیر جایش بر جا بود تا هست چار ارکان
بیا جانابده جامی به یادساقی کوثر
که از خیر دمام می کند روح پدرشادان
که آمد آب این برکه سراب چشمه حیوان
(افشار ۲: ۶۵۰ - ۶۵۱)

سازنده آب انبار پشت باغ، نیت خود را چنین بیان داشته است:

ساخت یکی صالحه، مصنعه بی همال
گشت مددکار او لطف شه ذوالجلال
و قربه الی الله تعالی وقف «افشار ۲: ۶۵۲»

بانی آب انبار تخت استاد، باور خود را چنین بازگو کرده است: ﴿هو ولی الحسنات و رافع الدرجات﴾ (افشار ۲: ۶۵۳)

علی اکبر تاجر یزدی، به این امید آب انبار فهادان را وقف نموده است: ﴿قربة الی الله و طلباً لمرضاته بجهت نخیره یوم لا ینفع المال ولا بنون...﴾ کافه مؤمنین و مؤمنات از آشامیدن آن مستفیض شوند و طلب مغفرت از برای ابی نمایند... ﴿ان الله لا یضیع اجر المحسنین﴾ (افشار ۲: ۶۶۰)

بانی آب انبار مصلی عتیق، آب انبار را ساخته تا مگر خداوند از او در پذیرد:

هزارشکر که توفیق شد رفیق مرام
به اعتقاد چو فیضی بنای آن کردم
به کار خیر و رسد فیض آن به خاص و عوام
اگر قبول کند ذوالجلال والا کرام

(افشار ۲: ۶۶۳)

و دیگران نیز برای آن که در این کار خیر شریک باشند، به اندازه توانایی خود کمک می کردند، چنان که برخی قنات و یا چند جرّه آب از سهم خود را وقف می کردند، در کتیبه آب انبار شاه ابوالقاسم نیز آمده است: «وقف نمود حاجی مولانا محمد طاهر اناری، مجاری دو جرّه میاه پای کوشک بر این مصنعه و تولیت و کیفیت تصرف متولی مزبور، در وقف نامچه است. (افشار ۲: ۶۵۸) و در سنگ لوح آب انبار فهادان آمده است: «وقف نمود قربة الی الله بر امام ابی عبدالله الحسین، فقیر ابن حاجی عبدالحسین حاجی ابراهیم، تمامی مجاری و منابع هفت جرّه میاه قنات



موریاباد خارج دارالعباده یزد» (افشار ۲: ۶۵۹)

هم چنین است دربارهٔ آب انبار حاجی حسین عطارگرد فرامرزی (افشار ۲: ۴۵ – ۴۶) و دربارهٔ آب انباری در اردکان درج شده: «خیرات کرد حاجی خورشید اغدایی از برای صبیئه خود، لطیفه، بانو. او انباری در اردکان و شش سبو آب ندوشن را وقف کرد، قربت نمود» (طباطبایی: ۲۷۱)

برخی نیز درآمد زمین و باغ را وقف بر آب انبار می نمودند، چنان که در آب انبار کوچه بیوک دیده می شود: «وقف مؤبد شرعی نمودند... همگی و تمامی یک قطعه اراضی شارحه معینه واقع در صحرای دولت آباد به بسط سیزده قفیز موسوم به زمین سید عالمیان مشهور... دولت آباد... هر ساله منافع آن را بعد از وضع اخراجات ضروره صرف روغن چراغ مصنعه معینه و کوچه بیوک نمایند. و هرگاه از مصرف مزبوره زیاد آمد، صرف تعمیر و اخراجات مصنعه نمایند و ورثه حاجی کبیر، چهار اصله درخت توت برگی با زمین زیر درخت واقع در کشخوان اهرستان مضاف باغ تاج سلیمانی وقف بر مصرف مزبور نمود. (افشار ۲: ۶۶۱) (نیزر. ک افشار ۱: ۴۰۸ – ۴۰۷)

مستوفی بافقی در انگیزه ساخت آب انبار خان خواجه می آورد: «در اوایل سلطنت شاه عباس ماضی در خطه جهان نمای یزد چنان خشک سالی روی نمود که عنان طاقت درویش از دست رفته، درهای آسمان بر زمین بسته بود و فریاد از اهل زمین برخاسته. در چنان وقتی صاحب بر و احسان، خواجه شامیر استرآبادی، با مؤونتی تمام و ثروتی مالا کلام برو سادۀ عزت و اعتبار نشسته، نقد واقمشه بی شمار در صنادیق و غله و سایر جوبات بسیار داشت، به الهام ملهم توفیق و به اشاره هادی سبیل خواست که دست همّت گشاده، جیب و بغل عجزه و مساکین را پر درهم و دینار و گوشه بی توشه ارباب استحقاق را به غله و سایر مأكولات مملو سازد و در چهار سوق، در خان خواجه ضیاء الدین محمد، طرح این مصنعه انداخت و منادی در داد که هر کس به مزدوری قیام نماید هر روزه فلان مبلغ و مقدار بر سبیل اجرت خدمت می کنم و بنابر آنکه به سبب قحط و غله:

به یزدی خورش آن چنان تنگ گشت

که نانی به جانی نیامد به دست

خلاق روی به کار آوردند. (مستوفی ۳: ۶۶۸ – ۶۶۷ با تلخیص)

دیگر موارد وقف و نیکوکاری در آب انبارها شامل موضوعات زیر می شود:

حاج علی کبر ریسمانیان در جنب آب انبار سید فتح الرضا که خود ساخته بود، سقاخانه ای هم برای پیر مردان و پیر زنان و افرادی که توانایی پایین رفتن از پله ها را

نداشتند، ساخته و از وجه دکان‌های موقوفه آب انبار، مبلغی به سقّایان می‌داد تا هر روز، آب خنک را به وسیله مشک به بالا آورده، درون سقاخانه بریزند (گفت‌وگو با محمد دهقان طرزجانی)، همین نکته در وقف نامه امیرحسن خانی طبس (۱۲۳۴ ق) هم دیده می‌شود: «در وجه چراغچی و سقّای بازار که به جهت عجزه و فقرا آب آورند.» (عرفان فر: ۳۶)، در وقف نامه آقا عبدالمجید به تاریخ (۱۲۹۶ ق) در یزد نیز آمده است: «وقف صحیح شرعی نمود بقالی و خبازی واقع در محله باغستان قریه اشکذر در قرب مسجد حاجی غلام بر سقاخانه واقع در مقام مزبور جنب محمد مرقوم. از مال الاجاره آن در ریختن آب (مصنعه شیر) در سقاخانه، صرف نماید تا مؤمنین آشامیده، یاد از لب تشنه حضرت فیض آثار سید الشهداء نموده.» (عرفان فر: ۳۲ با تلخیص)

یکی دیگر از موارد وقف، خرید کوزه بوده است: «همین واقف شرط کرد که متولی برای خرج حوض (آب انبار) هر ساله مبلغ پنجاه دینار نقد رایج خرج کند و در عوض هر کوزه‌ای که به دست اطفال مسلمان می‌شکند، کوزه خریداری کرده و به آنها بدهد.» (حسینی یزدی)

نوع دیگر خرید کوزه برای آشامیدن ذیل موقوفه خواجه غلامرضا در تفت بوده است: «تتمه آن رابع آن سیو خریده در... محله دگر مسیر زیر بازار سفید بگذارند که مؤمنین قریه، قریه الی الله آبش نموده، بالای انبار بگذارند که مترددین بی کلفت آشامیده، واقف را دعای خیر یاد نمایند.» (عرفان فر: ۳۶)

وقف نمک، مورد دیگری است که در موقوفات آب انبار دیده می‌شود. (عرفان فر: ۳۴) و از جهت گندزدایی آب آب انبار بوده است.

در وقف نامه محمدصادق تاجر تهرانی (ناظم التجار) به سال ۱۳۷۴ ق، وجهی برای مخارج آب انبار در نظر گرفته شده است: «در هر سال پنجاه تومان مخارج راه مشهد مقدس از یزد الی طبس نمایند، یعنی خرج آب انبارهای بین راه نمایند» (عرفان فر: ۳۳) و یا فردی دیگر که از وجه پول خون پسرش، آب انبار حاجی جعفر را در محله مال میر یزد ساخته است. (مصاحبه) برخی نیز برای حفظ نام خانواده، به ویژه آن که اگر بدون اولاد بودند، برای جایگزینی و تداوم نسل به این کار خیر، حرکت نمادین می‌پرداختند. (جانب الهی ۲ و ۳: ۱۸۹) و بر این گونه است آب انبارهایی که حاج سید حسین خویدکی به مباشرت حاج علی نقی تاجر و حاج محمد حسین برخوردار در خویدک و محله خلف خانعلی یزد ساخته است. (آیتی: ۴۲۶ - ۴۲۷) و آب انبار فاطمه گلشن در محله پنبه کاران.





در کتیبه چوبی آب انبار ملاً حسن میبد، واقف تنها از باب اثبات چاکری خود به امام رضا (ع) آن را ساخته و گفته است:

یا امام هشتم از امداد تو این مصنعه
چاکری از چاکران تو عمارت چون نمود
یافت مزد خود جواهر، بست زین خدمت کمر
صد در اقبال و دولت را به روی او گشود
این عمارت چون ز خیر وجود تو اتمام یافت
تاریخ سالش صاحب خیری وجود
(افشار ۱: ۷۱)

جامع مفیدی ذیل آب انبار امامزاده جعفر درباره نیت واقف از زبان خود می‌گوید: «شیخ حاجی محصل به طمع استروای کوثر و سلسبیل، بر شرقی مزار، مصنعه حفر نموده و به اجر برآورد و از آب تفت مملو گشته، سکنه آن محله تمتع می‌یابند و ثواب آن در نشاء ثانیه به روح بانی متواصله می‌گردد.» (مستوفی ۳: ۵۲۸ - ۵۲۷)

در وقف‌نامه سستی فاطمه، زوجه امیر چخماق شامی (حاکم یزد در دوره ایلخانی) مراد از ساخت آب انبار، کسب ثواب بوده است: «مشار الیها در مقابل خانقاه مذکور، چاه آب سرد ساخت و بر سر آن عمارتی مطبوع جهت سقاخانه، استحداث فرمود تا در هنگام شدت گرما، به جرعه‌ای از آن از بخشش‌گاه فیض بهارگان مزاج‌ها کافوراً عیناً به شراب بها عبادالله یفجرونها تفجیراً نصیبی داشته باشد. حرارت و تشنگی را تسکین دهد و (ثواب) آن به روزگار همایون معمره بانیه واصل گردد.» (وقف‌نامه زوجه: ۲۳)

و جامع مفیدی در توجیه ساخت آب انبار به وسیله همسرش امیر چخماق می‌آورد: «در مقابل مسجد امیر عادل (امیر چخماق) سقایه خانه و چاه آب سردی که مضمون آیه ﴿و اوفی هدائه و تصمیم ریتهم شراباً طهوراً﴾ از آشامیدن آب آن بر زبان جاری است، احداث فرمود.» (مستوفی ۱: ۱۷۳)

تقریباً بیشتر آب انبارهای یزد موقوفات و یا وقف‌نامه داشتند که به صراحت در برخی متون، اشاره به وقف‌نامه‌های آب انبارهای زیر شده است. آب انبار فهادان (سنه ۱۱۱۵ ق) / آب انبار مسجد جامع ابرندآباد (سنه ۱۰۹۵ ق) / آب انبار مسجد یعقوبی و آب انبار عطاء الله (سنه ۱۰۳۶ ق) / آب انبار شاه ابوالقاسم (سنه ۱۰۸۲ ق) / آب انبار حاج حسین عطار یزد (سنه ۱۲۰۵ ق) / آب انبار جوی هرهر (سنه ۱۲۲۲)

ق). پیامد این اندیشه که در باور دینی مردم مسلمان ایران جاری است، ساخت و ساز بناهای آبی به ویژه آب انبار در نزد مردم ایران دیده می‌شود. در بسیاری از کتیبه‌ها و وقف‌نامه‌های آب انبار، یا حسین (ع) و لب تشنگی او و اشاره به صحرای کربلا و روز عاشورا به فراوانی دیده می‌شود.

در کتیبه آب انبار وقت و ساعت یزد، از حسین (ع) چنین یاد شده است:

آن که آب از این مکان نوشید نظر از چشمه جنان پوشید
آمد از غیب این ندای جلی لعن بر قاتل حسین علی

(افشار ۲: ۶۶۴)

و در کتیبه آب انبار توده رکن آباد میبد خوانده می‌شود:

از بهر رضای حق چنین مصنعه‌ای کردست بنا محمد بن حیدر
تا آنکه بنوشند مسلمانان آب از یاد حسین خسته تشنه جگر

(افشار ۱: ۱۰۴)

لعن یزید در آب انبار حاجی سید حسین خویدک هم آمده است:

«هوالواقف، وقف نمود بانی این مصنعه، تمامی سه جرّه منابع قنات خویدک و تمامی هشت قفیز کشخوان‌های نویدک بر تعمیر و روغن چراغ و آب مصنعه مطابق وقف نامچه.

مصدق کوثرست بیا و تو دید کن مابی سیدی حسین را نوید کن
تاریخ مصنعه است، الف را مزید کن آبی بنوش و لعنت حق بر یزید کن

(افشار ۱: ۲۲۲)

کوری چشم یزید در آب انبار ترگان آباد رستاق:

فارغ چو براهیم شد از حج گردید از صدق تمام برکه‌ای ساخت جدید
تاریخ چو جستم از خطیبی گفتم زین آب بنوش کوری چشم یزید

(شیر سلیمیان)

آب انبار عبدالحسینی:

یارب به خون فرق علی اکبر حسین بر بنانیاں مصنعه عمری مزید کن
فرمود هاتفی پی اتمام این بنا آبی بنوش و لعنت حق بر یزید کن

محمود فرساد (شیر سلیمیان)

آب انبار علی نقی خان:

این برکه را به یاد پادشه تشنه لب چو ساخت از طالع خجسته و از اختر سعید
جاوید آب حیوان زین برکه شرمسار هر بار نوشی آبی، گو لعن بر یزید

(سحاب اصفهانی: ۲۸۲)

تقریباً در بیشتر آب انبارهای یزد، آب آن را شاخه‌ای از آب کوثر و یا به منزله آب حیوان دیده‌اند، چنان که دیده می‌شود:

آب انبار صفة باغاده عقدا:

هست این سلسبیل از کوثر
(افشار ۱: ۴۵۵)

گفت تاریخ هاتفی بی شک

آب انبار حاجی کریم میبد:

عقل گفتا: شد عیان کوثر به یزد
(رفیق یزدی)

خواست تاریخش «رفیق» از پیر عقل

آب انبار گرمسیر تفت:

آب این برکه ز سر چشمه حیوان به حساب
(افشار ۱: ۴۲۳)

سال تاریخ بنا خضر نبی گفت که هست:

ساخت آب انبار را در زمان های گوناگون می توان تعبیر به یک فرهنگ و فکر نیک کرد، فرهنگی که انسان را وامی دارد تا برای مردم آب را از ته آب انبار بالا آورده و در سقاخانه و سنگاب کنار کوچه برای رهگذران و ناتوانان بریزد. فرهنگی که در وقف نامه مواردی را مشخص می کند تا از موقوفات آب انبار وجهی را در اختیار سقایان بگذارد تا هر روزه سقاخانه و سنگاب را پر از آب زلال کند تا درماندگان ناچار نباشند در گرمای تابستان، ۴۰ تا ۵۰ پله خیس و لغزنده را طی کرده و آب بیاشامند.

یکی از کتیبه های زیبای آب انبار مربوط است به آب انبار بالا ده مهدی آباد یزد:
به نام یزدان پاک

که خلق از وجودش در آسایش است

خدا را بر آن بنده بخشایش است

در تیر ماه سنه ۱۳۲۱ به همت جمعی از خیراندیشان این بناء عام المنفعه اتمام پذیرفت. اسامی بانیان در دفتر مخصوص ثبت است. ایدهم الله علی خدمة الامر العظیم.

خونک آن که آباد دارد جهان شود خلق گیتی از اوشادمان
(مشاهده)

این دو بیتى زبان حال فاطمه گلشن، بانی آب انبار گلشن است:

به دو عالم اثر خیر هماغوشش باد
هر که از مصنعه آبی ببرد نوشش باد
(مشاهده)

ساخت این مصنعه را فاطمه پاک نهاد
پی تاریخ بنا واقفه ماجده گفت

این قطعه بر سنگ آب انبار پایین کوچه عقدا درج شده است:

این بنا از بهر حفظ آثار طین
در قیامت باشدش صد خوشه چین
بشنوید این مژده از روح الامین
ای عزیزان فادخلوها خالدین

شد به سال سابع و عشرین الف
هر که در دنیا بکارد دانه ای
صاحبان خیر در روز جزا
جای اهل خیر در جنت بود

(افشار ۱: ۳۵)

این هم مصداق اخلاص در کتیبه معرّق درگاه آب انبار گرمسیر تفت:

ربّ هبّ لی من المعیشة سول واعف عنی بحقّ آل رسول
 خادم آل علی، شاه علی آن که رسد فیض او در همه جا بر همه کس از همه باب
 گفت چون بانی این مصنعه خیر و درو کرده آبی که دهه یاد زقنداب و گلاب
 سال تاریخ بنا خضر نبی گفت که هست آب این برکه ز سرچشمه حیوان به حساب
 «شربة بکفّ علی سیّد الاولیاء زوج بتول.» (افشار ۱: ۴۲۳)

واقفان حتی در اندیشه روشنایی بستر آب آب انبار هم بوده‌اند:

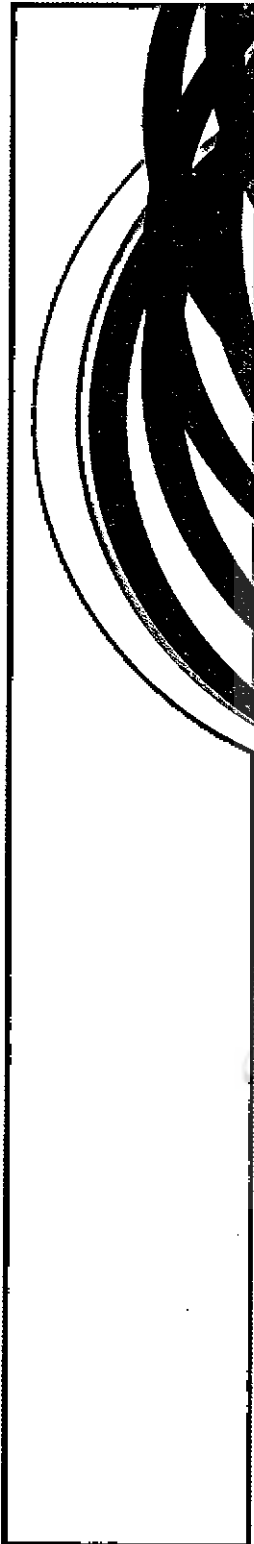
«هو الواقف علی الضمائر... حاجی محمد ولد مرحوم حسین احمد شریف، تعمیرات آن را تمام نمود که مسلمین آب بنوشند و باعثان را دعا کنند و چون کاروانسرای حاجی سبز علی وقف است، باید هر ساله چهار هزار دینار فضی ریال بیست و شش نخودی، به مصرف روشنایی بستر آب بشود.» (افشار ۱: ۴۰۷)

یکی از رگه‌های مهم حیات آب انبارهای یزد در دوره قاجار، احیاء و باز زنده‌سازی و افزونی وقف‌نامه و وقف‌آباد یزد بود که پیش از این سید رکن الدین محمد حسینی یزدی، بانی مدرسه رکنیه فرموده بود: «تا در فراشاه، فنانی جاری نموده، چند آب از سهام قنوات دیگر به عنوان ملکیت خریداری کرده، به یکدیگر ممزوج ساختند و از میان شهر و محلات در مسجد جامع آورده، از آنجا به مدرسه رکنیه و میدان وقت و ساعت گذرانیده، از درب کوشکنو بیرون برده و به خانه محمد یعقوب، معلم خود جاری ساخت و آن را آب «وقف‌آباد» نام نهاد. (مستوفی ۳: ۵۵۶)

این کار واقفان جدید باعث شد که خونی تازه در رگ‌های حیات آب انبارهای یزد که بر اثر خشک‌سالی و قحطی از رمق افتاده بودند، وارد نموده و این مهم میسر نشد مگر با همت بزرگان و نیکوکاران یزد. آنان در انگیزه عمل نیک خود در وقف‌نامه آورده‌اند:

«غرض از تحریر و تسطیر این کلمات.... خیریت آیات، آنکه اهالی محلات شهر دارالعباده یزد به سبب قلت آب در شهر از برای استعمالات خود در تعب و مشقت می‌بودند و کذلک غربا و مترددین و قوافل... در زحمت بودند و به جهت دفع احداث و ادناس، زحمت‌ها بردندی تا آبی از چاه‌های عمیق برآورندی و به مشقت‌های تمام در محالویج خود استعمال نمودندی و مساجد و مدارس و خانه‌ها و حمام‌ها و کاروانسراها از آب جاری محروم بودند. و ربع قنات اهرستان که منابع و مجاری سه هزار جرّه باشد که مرحوم مغفور حسین خان صاحب اختیار طاب ثراه از قرار وقف‌نامه‌های معتبره متعدده به شروط مرقومه در آنها وقف نموده بود که در شهر دارالعباده یزد جاری باشد و به واسطه قلت آب در بعضی اوقات آن ربع، وفا به اهل شهر نمی‌کرد، لذا همت عالی نهمت بر آن گماشتند و وقف مؤبد صحیح شرعی و حبس مخلد ملی فرمودند قربه الی الله تعالی و طلباً لرضائه و نیلاً لثوابه» (وزیری ۱: ۱۰۲ - ۱۰۳)

یکی از مفصل‌ترین وقف‌نامه‌های آب انبار بر جای مانده در گذر زمان، وقف‌نامه آب انبار شش بادگیری به تاریخ



۱۳۲۹ ق است، در این آب انبار نام همه واقفان و سهم آنان و نیز افرادی که با مهر خود این وقف نامه را تأیید کرده اند، قید شده و در بخشی از آن چنین آمده است:

«... داعی بر تحریر این حروف شریف آنکه دنیای دون را بر آن هیچ یک از بنی نوع آدم بقا و ثباتی نبوده و نمی باشد و به مصداق ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾. هر ذی روحی شربت ناگوار مرگ را چشیدنی است و زیرک و بصیر کسی است که به مصداق «حاسبو قبل ان تحاسبوا» تحلیه سفر آخرت خود را که باقی است و برگشت ندارد، بگیرد و قبل آنکه اجل موعود در رسد، محاسبه خود را مفروغ به خیرات و میراث پرداخته، به مقتضای «الدنيا مزرعة الآخرة» در کشت زار عمل خویش، بذر خیری افشاند تا در ﴿یوم لا ینفع مال ولا بنون﴾ بموافق ﴿فمن یعمل مثقال ذرة خیرا یره﴾ وصول آن را جمع و ضبط نماید و ابدأ در هیچ آناتی از آنات، در عمل خیر تساهل و تکاهل نورزد، خصوص در وقف نمودن اموال که به مقتضای «اذ مات ابن آدم انقطع عمله الا عن ثلث صدقة جاریة الخ» انقطاعی از برای آن نیست و از سایر اعمال خیر بهتر، نفعش زیادتیر علی هذا به مصداق این مثال شامل و کامل احوال خیریت مال... خیرالحاج والعمار، حاجی محمد حسین خلف مرحوم (آقا) نورالله، سرتل، من محلات خارج دارالعباده یزد گردیده... وقف مؤبد و حبس مخلد نمود حاج مزبور قریه الی الله و طلباً لمرضاته جل شأنه اعیانات موقوفه مفصله در ذیل را از منابع و مجاری میاه و املاک و باغات و اراضی و تیمچه و غیره که هر ساله منافع آنها را بعد از تعمیر و اخراجات ضروریه و عشر دیوانی و نفقه موقوفات مزبورات و اخراج حق التولیة والنظارة در مصارف معینه مشخصه موقوفه مفصله در ذیل علی الترتیب المرقوم متولی صرف نماید....

آب انباری که خود واقف در محله سرتل ساخته است، صرف آن نماید از تعمیر و نظیف و غیر ذلک و بعد از آن منافع آب خریده در وقف خود در آب انبار مزبور نماید که مردم از آن منتفع شوند به هر نحو انتفاعی که محتاج باشند و بعد از آن به جهت روشنایی دو راهرو انبار مزبور روغن چراغ آنچه لازم باشد، خریده شود و بعد از آن یک قاری که هر یوم پنج جزء قرآن تلاوت نماید، قریه الی الله و درب همان انبار در سه وقت اذان بگوید قریه الی الله متولی اجرت بدهد او را که آب در سقاخانه درب انبار مزبور بریزد که مؤمنین و مسلمین از آن بیاشامند و سقاخانه بی آب نماند که مردم تشنه بمانند.» (وقف نامه موجود در میراث فرهنگی یزد)

نمونه‌هایی از خیرمندی و دهشمندی در آب‌انبارهای دیگر شهرها.

در طریقه مشهد «حاج علیرضا نامی آب‌انباری ساخته و برکتیبه‌کاشی سردر آن این ابیات را نقش نموده است:

وقف بنمود این حوض را محض خدا	از برای خلق، حاجی علیرضا
تا بماند نام نیکش در جهان	ولد مرحوم آقا غلامرضا

(شکورزاده: ۶۴۳)

ابوالقاسم طغرا یغمایی درباره آب‌انباری که یغمای جندقی در خور و بیابانک ساخته، این شعر را سروده است:

این بنا را ز مال خود یغما	کرده و بنیان و مانده پا بر جا
آب از بهر آن خریداری	کرده و نیک کرده غم خواری
شیر بر حوض نصب بنموده	تا که آبش نگردد آلوده
وقف کرده است آب و آب‌انبار	تا بود رستگار روز شمار
هم از آن راد مرد پاک‌سیر	هنست آثار و وقف خیر دگر
رحمت حق به روح پاکش باد	نور باران هماره خاکش باد

(حکمت یغمایی: ۴۷۱)

حاج میرزا حسین عامل در ساوه، آب‌انبار را برای نجات از عصیان ساخته است.

سرفتاد مرا تا که امر خیری	بنا گذارم تا گردم به نیکوان ملحق
بنای برکه آبی گذاشتم که برهدند	ز سلسبیل کز و بوده آب امرالحق
غریق لجة عصیان بودم برای نجات	از این حقیر بنا ساخته یکی زورق
برای ماده تاریخ او خرد گفتم	بنوش آب و بگو بر یزید لعنت حق

(قبادیان: ۲۹۹)

برخی نیز به دعایی قانع‌اند. احمد صفائی جندقی در تاریخ آب‌انبار حاجی محمد سروده است:

ساخت حاجی محمد خوری	حوض از بهر آنکه ناجی باد
پی تاریخ آن صفائی گفت	آب کوثر نصیب حاجی باد

(حکمت یغمایی: ۱۹۶)

میرزا کاظم، وقتی آب‌انبار حاج کاظم را در قزوین ساخت، برکتیبه آب‌انبار خود این اشعار را نقش زد:

خیر خلق خدای هر کس را	شد چو مرکوز فطرت خواطر
آن کند در مراتب خیرات	کش بود رحمت خدا کیفر
قدوة الحاج حاجی اسماعیل	آنکه فیض اللہش شده رهبر
ساخت این برکه معظّم و کرد	وقف شاه شهید تشنه جگر
که از این خیر حاجی کاظم را	دهد ایزد جزای بی حد و مر
جامی از کوثرش دهد که رهد	از حرارت عرصه محشر

سال تاریخ را نوشت «صفا»

«منجی ز آب چشمه کوثر»

(ورجاوند: ۶)

وی در کتیبه دوم آب انبار هم این عبارات و اشعار را آورده است:

صدشکر که آباد شد این ارض خراب عکس رخ آفتاب دیدیم در آب

چون در صفحه حسنات طرحی از این خوش آب و رنگ تر در بحر میرات یکتا گوهری از این خوش
و باصفا تر و پر آب تر نداشت، آن را نثار مرقد مطهر نور دیده حضرت خیرالبشر گردانده، وقف نمود که موالیان
تشنگان کربلا در لعن مانعین آب از آن جناب خود را معاف ندارند.

بنوشد ز من هر که نوشد ز آب کند لعن بر قاتلش بی حساب

و ثواب این عمل منقور مرقد مطهر را به روح طوبی آشیان حاجی محمد کاظم مبذول داشتند. «(ورجاوند:

۶) و چنان باوری عمیق دارند که آب آب انبار را هم چون آب کوثر می دانند:

گفتم با خضر ز آب حیوان در خاک کدام چشمه بهتر

در تاریخش اشاره فرمود: این برکه پر ز آب کوثر

(نراقی: ۳۰۵)

حاجی حسین به امید رسیدن آب در گرمای صحرای محشر، آب انبار حاج ملا آقارادر قزوین ساخته است:

به توفیق یزدان قیوم داور به تأیید خلاق فیاض اکبر

بنا کرد حاجی حسین و رسانید به اتمام این برکه خیر مظهر

زهی برکه و آبگیری که باشد موسع چو دریا مصفاً چو گوهر

به او یارب از لطف آبی عطا کن به هنگام گرمای صحرای محشر

پی سال تاریخ آن عقل گفتا: به بانی عطا کرده حق آب کوثر

(گلریز، ج ۱: ۳۱۴)

و حاج حسن هم به امید آنکه در باغ بهشت مرقدش قرار گیرد، آب انبار شیشه گرا در قزوین ساخته است:

آن که را توفیق آمد رهنمون تخم خیراتی به باغ دهر کشت

و آن که را ایزد روان پاک داد طینتش خوبی پدید آرد نه زشت

خشت خیری حالیا بر خاک نه پیش از آنی کایدت از خاک خشت

همتی حاجی حسن کرد آن که باد مرقدش مقصوره باغ بهشت

این همایون برکه را بنیاد کرد از صفای طینت حسن سرشت

تابه دید آرد که باید ساختن آذر اعمال را اردی بهشت

روشنی از روزیابی نی زشب نور حق از کعبه جونی از کنشت

چون به انجام آمد این عالی بنا کش بُد از دیوان هستی سرنوشت

سال تاریخ بنا کلک صفا

چشمه ای از منبع کوثر نوشت

(گلزار، ج ۱: ۳۱۸ - ۳۱۷)

داد و دهش نزد ادیان در ایران

وقتی کربلا و قحطی و خشک سالی بیاید، مسلمان، زرتشتی و یهودی نمی شناسد، همه ساکن یک بوم و برزند. از این رو همه در گرفتاری و تنگی سهیم هستند. این جاست که آفریدگان پروردگار یگانه، به همدردی و همگامی با هم پرداخته و مصداق این سخن سعدی می شوند که می گوید:

بنی آدم اعضای یک دیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

دیار کویری یزد که در گذر قرن ها، همیشه کم آب و خشک بوده و به علت روحیه سازگارانۀ مردم آن همیشه پذیرای اقوام و گروه های گوناگونی بوده است، به گاه سختی ها و تنگی ها در کنار یکدیگر به یاری هم برخاسته اند. اگر مدرسه ای را یک زردشتی ساخته، شاگردان آن هم مسلمان بوده، هم زردشتی و هم یهودی. و بر همین سان است، ساخت آب انبار که در گوشه و کنار این شهر، ده ها آب انبار دیده می شود، که به همت مردمان این دیار و از برای بهره وری همگان ساخته شده است.

وجود چندین آب انبار دورا راه یا دو دهانه، و دوشیره در این شهر و در محلاتی که مسلمانان، زردشتیان و یهودیان ساکن بوده اند، نشان از این همزیستی است. اما نکته جالب توجه، ساخت آب انباری در یزد به وسیله یک مسلمان برای یهودیان بوده و گویا این آب انبار نزدیک مسجد جامع یزد بوده است (ندای یزد. ش ۵۳۸)

در روستای چم، نزدیک شهر تفت، آب انباری دیده می شود که یک مسلمان وقف بر اهالی زرتشتی آن روستا وقف کرده است.

در شهر یزد آب انبار کیانی (شه گل) در محله اهرستان وجود دارد که دو دهانه بوده و شهریار کیانی به نامگانه برادر درگذشته اش به سال ۱۳۰۰ ش درست زمانی که خشک سالی و قحطی به اهالی محل فشار آورده بود، ساخته و آب آن را از چشمه های ده بالا آورده و هم اکنون در دست اداره اوقاف یزد است. (مسرت، یزد یادگار تاریخ، ج ۱: ۹۷۷)

در کتیبه آب انبار داراب خسرو قاسم آباد یزد آمده است:

«این آب انبار را دولت دخت روانشاد داراب خسرو قاسم آبادی به نامگانه شادروان شوهرش خداداد مهربان روان نرسی آبادی برای آسایش همگان و خدا بیامری گذشتگان در شهریور سنۀ ۱۳۱۹ خورشیدی به سرپرستی مهربان داراب خسرو قاسم آبادی ساختمان گردید.» (مشاهده)

این هم از نیک اندیشی سازندگان آب انبار خداپرست یزد:

«به یاری پروردگار، این آب انبار را نیک اندیشان خداپرست، گشتاسب، شیرین، خسرو، دین یار آبادیان،



گشتاسب خداپرست زمرد اسفندیار، رستم اسفندیار، گل خداداد، روانشاد جوان ناکام فریبرز اردشیر، شادروان خدا رحم رستم، کیخسرو دولت نامدار، دولت خداپرست پندار، لهراسب رستم برای یرخورداری همگان در سال ۱۳۱۵ خورشیدی ساختمان گردید.» (مشاهده)

ارباب کیخسرو مهربان، بانی مدرسه کیخسروی یزد در دهکده اله آباد، نزدیک زارچ یزد، آب انباری پرداخته که خاضع در توصیف آن نوشته است:

«ارباب کیخسرو مهربان از وجه خود در دهکده عطرآباد در نزدیکی اله آباد که آب آن بسیار تلخ و شور و غیر قابل نوشیدن است، آب انباری ساخته که از آب شیرین اله آباد پر می شود تا ساکنین و عابرین بنوشند و تاکنون عموم مردم آن سامان از آن استفاده می کنند و فقط از پرتو وجود این عمل خیر است که زارعین توانسته اند در این دهکده اقامت گزینند و این آبادی را حفظ کنند که در غیر این صورت ممکن بود این آبادی از بین برود. هزینه زیر آب و سایر مخارجات لازمه را بانی و بعداً اعقاب او می پردازند.» (خاضع: ۳۵)

و ارباب رستم مهربان به پیروی از برادر خود، آب انباری در شرق یزد ساخته است: «ارباب رستم از وجه برادر شهید خود رشید مهربان که در حدود سنه ۱۲۹۰ هجری به قتل رسید و به نامگانه آن مرحوم در وسط بیابانی که فرسنگ ها اطراف آن بی آب و آبادی است و در معبر عابرین و مسافرینی که به طرف شمال مشرق شهرستان یزد به بیابانک و انجیره و چک پکو و نقاط دیگر رفت و آمد می نمایند، آب انباری ساختند، از زمان بنا تا کنون هزینه تعمیر و گل کشی و سایر کارهای لازمه آب انبار را بانی و بعداً اعقاب او متحمل شده و می شوند. در موقع بنای این آب انبار بنایی از کسانی که از نقاط دور دست آب را برای فروش بدان جان می برده اند، به قرار هر من شاه، یک شاهی خریداری و به مصرف ساختمان این بنای خیر می رسانید.» (خاضع: ۳۷ - ۳۶)

یکی از آب انبارهای نامی و ویژه در یزد، آب انبار گیو بوده که به همت رستم گیو ساخته شده است، ویژگی آن این است که دارای دو دهانه در دو محله دور از هم بوده و هر دو گروه مسلمان و زرتشتی از آن بهره می برده اند.

جالب ترین گونه همکاری، ساخت آب انبار دو راه (دو دهانه) رحمت آباد یزد است که به وسیله زرتشتیان و با مشارکت مالی مسلمانان ساخته شده است بر لوجه مسین آن، این عبارت دیده می شود:

«... از وجه انفاقیه صاحب خیران ذیل: انجمن محترم پارسیان بمبئی، رحمت آبادی ها، نصرآبادی ها، کوچه مشکی ها... این آب انبار دو راه مخصوص مسلمانان و زرتشتیان ساخته و آماده گردید که خلق الله به غیر از بنایی و ریختن، برای هر

کار دیگری خواهند از آن آب بردارند و بانیان مزبور را به دعای نیک و اجدادشان را به آمرزش یاد و شاد نمایند به کوشش این بنده کیخسرو دینیار شهریار رحمت‌آبادی انجام یافت. « (افشار ۲: ۸۶)

در کل ایجاد آب‌انبار به غیر از دو انگیزه ذخیره آب برای زمان‌های خشک‌سالی، جنگ، محاصره و نیز خشک ماندن آب در تابستان، «تمسک به عمل خیر سقایت و یادآوری حادثه عاشورا و واقعه کربلا» (خیرخواه: ۸۲) بوده است و در کل توزیع آب و انبار، امری اعتقادی است و سقایت از ارزش‌ها و باورهای اسلامی می‌باشد. توجه به ادعیه‌هایی از قبیل «سقی الله ثراه» این موضوع را به خوبی ثابت می‌کند... آب‌انبار به دست افراد خیر احداث و وقف می‌شد. و شخص واقف، مقداری از املاک و دارایی خود را جهت حفظ آب‌انبار و به نام وقف می‌کرده است. ساخت آب‌انبار همیشه با نیت خیر همراه بوده است. بانی آن را ساخته است تا تعدادی از مردم اعم از مسلمان و غیرمسلمان از آن استفاده کنند و دعای خیر برای او بفرستند. « (خیرخواه: ۸۲)

نیز بنگرید به کتاب: آب گوهر آفرینش، حامد شاهرخی، ص ۲۰۳ - ۱۹۶. همیاری در ساخت و راه‌اندازی آب‌انبارها.

یکی از بهترین نمودهای همکاری و همزیستی پیروان ادیان گوناگون در یزد، همکاری و همگامی در ساخت، بهره‌برداری، لایروبی و آبرسانی آب‌انبار است. تقریباً تمامی آب‌انبارهای شهر یزد موقوفه بوده است و نیکوکاران بر پایه موقعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود در امر ساخت و راه‌اندازی آن شرکت داشتند. در وقف‌نامه‌های آب‌انبار، افرادی پیشگام اهدای زمین، اهدای چند جرعه قنات و موقوفات بر آب‌انبار می‌شدند.

چنان‌که در وقف‌نامه آب‌انبار مواردی از وقف خانه، باغ، زمین، قنات و محصولات کشاورزی دیده می‌شود. چنان‌که در وقف‌نامه قنات دولت آباد یزد، نام چندین آب‌انبار که به وسیله این قنات، تأمین آب می‌شده آمده است. (ر. ک: مستوفی ۳: ۳۷۰ - ۳۵۷)

مثلاً آب‌انباری در زارچ یزد، به دلیل مشارکت اکثر اهالی به «آب‌انبار خلق الله» معروف شده است. (شمس‌الدین: ۱۸۰)

دیگر افراد بنا بر توان خود سهمی در این کار خیر داشته‌اند. مثلاً: آبرسانی، رفت و روب مسیر و جوی آب، کمک در حفر زمین، آوردن مصالح، کمک در امر ساخت و ساز و افراد کم‌توان به کارهایی چون خرید نمک، لایروبی، لجن‌کشی و تخلیه آب‌انبار می‌پرداختند.

فرهنگ آب‌انبارسازی را می‌توان بهترین نمونه یک کار اجتماعی، عام‌المنفعه و همگانی دانست که همگان بنا بر وظیفه خود و بدون هیچ‌گونه چشم داشت مادی و تنها برای رضای خدا و ثواب و آمرزش گناهان در آن سهیم می‌شدند. زیرا تابستان و گرمای سوزان کویر برای همه بود و آب خنک نیز مورد نیاز همه. پس این کار دارا و نادار، کافر و مسلمان، آشنا و بیگانه نمی‌شناسد. از این رو است که به هنگام ساخت آب‌انبار در یک محله، می‌شد بهترین شکل دوستی را در نزد اهالی آن محل دید. همه در تب و تاب بودند، مانند خاطره‌ای که حکمت یغمایی از جریان

آبگیری آب انبارهای خور و بیابانک که در آن سال‌ها جزء استان یزد بود، نقل می‌کند: «یکی از مسائل مهم منطقه خور، آب آشامیدنی است، به ویژه در شهر خور، روستاهای جنوبی خور... خور، فرخی، مهرجان و مزارع پیرامون آن‌ها که از این نعمت بی‌بهره‌اند. به همین جهت از قدیم الایام، مردم برای ذخیره باران، آب انبارهایی ساخته‌اند. در گذشته اگر ابر ایثارگری بر مردم تشنه می‌بارید و سیلی جاری می‌شد، افرادی رسیدن سیلاب را بانگ می‌زدند... آهای سیلاو!!

دیگران بیل بر شانه می‌نهادند، شلوارها را تا زانو بالا می‌زدند و بی‌درنگ به سوی آب انبارها خیز بر می‌داشتند تا قطره‌ای از آب به هدر نرود. آب انبارها چشم به راه ایثار ابرها بودند و در خشک‌سالی‌ها جز کاسه‌های تهی نبودند.» (حکمت یغمایی: ۱۹۶)

این فرهنگ چنان در ذهن و اندیشه مردم ریشه دوانیده بود که معتقد بودند: «اگر به قرآن قسم بخورند باید هم وزن آن، نمک داخل آب انبار بریزند». (حیدریه‌زاده: ۸۴)

آندره‌گدار تعبیر خوبی درباره این همیاری دارد و می‌نویسد: «در واقع احداث یک آب انبار که طول مجاری آب زیرزمینی آن گاهی به ده‌ها کیلومتر می‌رسد، هزینه بسیاری طلب می‌کند و غالباً از اقدامات جمعی اهالی یک دهکده یا ارباب ده و یا یک بنیاد خیریه است، یعنی دستاورد مؤسسه‌ای که قادر است مصالح ساختمانی را از هر جا لازم باشد بیاورد یا یک کوره آجرپزی در محل احداث کند و حتی بناهای مشهوری را استخدام کند.* (گدار: ۱: ۵۷)

منابع

الف. کتاب

- آیتی، عبدالحسین: تاریخ یزد، یزد: بی‌تا، ۱۳۱۷.
- افشار، ایرج: یادگارهای یزد، یزد: خانه کتاب، چاپ دوم، ۱۳۷۴، ج ۱ و ۲.
- جانب‌اللهی، محمدسعید: چهل گفتار در مردم‌شناسی میبد، تهران: گنجینه هنر، ۱۳۸۵، ج ۲ و ۳.
- حسینی یزدی، سیدرکن‌الدین محمد: جامع‌الخیرات، ترجمه: جعفر غضبان، یزد: اداره کل حج و اوقاف و امور خیریه استان یزد، ۱۳۶۵.
- حکمت یغمایی، عبدالکریم: بر ساحل کویر نمک، تهران: توس، ۱۳۶۹.
- حیدریه‌زاده، محمود: بلوک میبد، تهران: چکیده، ۱۳۵۷.
- خاضع، اردشیر: تاریخچه اله آباد رستاق، بمبئی: بی‌تا، ۱۳۳۳.
- رفیق یزدی: دیوان رفیق یزدی، نسخه خطی کتابخانه وزیر یزد، ش ۲۷۵۷، بی‌تا.
- سحاب اصفهانی، محمد بن احمد: دیوان سحاب اصفهانی، به کوشش: احمد کرمی، تهران: ما، ۱۳۶۹.
- سعدی، مصلح‌الدین، کلیات سعدی، به کوشش: محمدعلی فروغی، تهران: امیرکبیر چاپ پنجم، ۱۳۶۵.
- شکورزاده، ابراهیم: عقاید و رسوم مردم خراسان، تهران: سروش، ۱۳۶۳.
- شمس‌الدینی، جعفر: زارچ، شهری بر کرانه کویر، تهران: آسایش، ۱۳۸۲.

- شیر سلیمیان، علی اکبر: تاریخواژه‌های یزد: یزد: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان یزد، ۱۳۸۷. (زیر چاپ)
- طباطبایی اردکانی، محمود: فرهنگ عامه اردکان، یزد: شورای فرهنگ عمومی استان یزد، ۱۳۸۱.
- قبادیان، وحید: بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران، تهران: دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۴.
- قمی، عباس: فواید الرضویه، زندگانی علمای مذهب شیعه، تهران: مرکزی، ۱۳۲۷.
- گدار، آندره و دیگران: آثار ایران، ترجمه: ابوالحسن سروقد مقدم، مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۱، ج ۳.
- گلریز، محمدعلی: مینودریاباب الجنة قزوین، قزوین: طه، چاپ دوم، ۱۳۶۸، ج ۱.
- مستوفی بافقی، محمد مفید: جامع مفیدی، به کوشش: ایرج افشار، تهران: اساطیر، چاپ دوم، ۱۳۸۵، ج ۱ و ۳.
- مسرت، حسین: یزد یادگار تاریخ، یزد: انجمن کتابخانه‌های عمومی استان یزد، ۱۳۷۶، ج ۱.
- نراقی، حسن: آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۶۳.
- وزیری یزدی، علی محمد: مجموعه وزیری، یزد، کتابخانه وزیری یزد، ۱۳۵۵، ج ۱.
- : وقف‌نامه مرحومین امیر چخماق و زوجه اوستی فاطمه بنت سلطان محمد، یزد: شعبه یک هیئت اسلامی یزد، ۱۳۲۷.

ب. نشریه

- خیرخواه آرانی، رضا: «بررسی بنای بومی و فرهنگی آب انبار»، فرهنگ اصفهان، ش ۳۱ (بهار ۱۳۸۵).
- عرفان فر، محمد جواد: «گزیده‌ای از مصارف خواندنی در متون وقف‌نامه‌های ایران»، فرهنگ یزد، س ۸، ش ۳۰ (بهار ۱۳۸۶).
- ورجاوند، پرویز: «نقش و اهمیت برکه‌ها و آب‌انبارها در بافت شهرهای ایران»، هنر و مردم، دوره ۱۴، ش ۱۶۸ (مهر ۱۳۵۵).
- «یادداشت»، ندای یزد، س ۱۲، ش ۵۲۸ (۱۳۵۷/۷/۳۰).
- پ. پژوهش میدانی.